

۹۸۲۲ شماره ماهنامه

فهرست

اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران

قادر باستانی



فهرست

پیشگفتار	۷
فصل اول: ارتباط	۱۱
فصل دوم: معنی چیست؟	۲۷
فصل سوم: ارتباط کلامی	۴۱
فصل چهارم: ارتباط غیر کلامی	۶۹
فصل پنجم: ارتباط با خود	۱۱۷
فصل ششم: نخستین برخورد مؤثر	۱۴۵
فصل هفتم: مثبت اندیشی	۱۷۱
فصل هشتم: الگوهای ارتباطی	۲۰۵
فصل نهم: ارتباط اداری مؤثر	۲۵۵
فصل دهم: خانواده و ارتباط مؤثر	۲۹۹
فصل یازدهم: ارتباط نوشتاری مؤثر	۳۲۷
فصل دوازدهم: مذاکره مؤثر	۳۵۱
فصل سیزدهم: تکریم ارباب رجوع	۳۶۹
پیوست ۱	۳۷۹
پیوست ۲	۴۰۳
فهرست منابع	۴۱۱

می‌پرسی چه پیشرفتی کرده‌ام؟

شروع کرده‌ام که با خودم دوست باشم.

سنکا

در روزگار قدیم پادشاهی زندگی می‌کرد که در آرزوی داشتن فرزند پسر بود. بعد از سال‌های زیاد سرانجام صاحب پسری شد. پادشاه بسیار خوشحال شد و بدون معطلی تمام طالع‌بینان را به قصر احضار کرد تا از آینده پسرش آگاه شود.

پیشگویان بزرگی برای خواندن نمودار تولد پسرش حاضر شدند و همه این نمودار را که نشانه‌های بسیار واضح و آشکاری داشت، مطالعه کردند. یکی از پیشگویان گفت: «قربان! پسر شما فرزند خوبی نیست، چون شما وقتی که او به ده سالگی برسد، فوت خواهید کرد. پس به عبارتی می‌توان گفت که او برای کشتن شما آمده است.» پادشاه خشمگین شد و گفت: «شما شیطان‌ها حتی نمی‌دانید که نمودار را چگونه ترسیم کنید.» و همه طالع‌بینان و پیشگویان را به زندان افکند.

روزی پیشگویی از راه دوری به قصر آمد. پادشاه از او خواست که طالع پسرش را ببیند. پیشگو با دقت نمودار را بررسی کرد و گفت: «تا به حال چنین نموداری ندیده‌ام. طالع بسیار قوی و روشنی است، پسر شما عمری طولانی خواهد کرد و شاه بزرگی خواهد شد. او صد سال پس از مرگ شما به زندگی ادامه خواهد داد...» این پیشگو مرد باهوشی بود. او همان نمودار تولدی را که دیگران خوانده بودند، خواند، اما اطلاعات آن را به گونه‌ای متفاوت مطرح کرد.

پادشاه بسیار خوشحال شد و گفت: «این طالع‌بین را هدیه باران کنید. او پیشگوی بزرگی است.» سپس از پیشگو خواست که هر چه می‌خواهد از شاه طلب کند.

پیشگو گفت: «قربان! فقط یک درخواست دارم.»

«البته، بگوید که آن چیست؟»